

با نام و یاد خدا

کتاب

جامعه شناسی

کلاس دوازدهم انسانی

تهیه شده توسط وبسایت [بتافایل](#)



درس ۱: ذخیره دانشی

“گویند پادشاهی، پسر خود را به جماعتی اهل هنر سپرده بود تا او را از علوم نجوم آموخته بودند و استاد تمام گشته، با کمال کودنی و بلاهت! روزی پادشاه انگستری در مشیت گرفت و فرزند خود را امتحان کرد که بیا و بگو در مشیت چه دارم؟ پسر گفت: آنچه داری گرد است و زرد است و تو خالی. پدر گفت: چون نشانی‌های درست دادی، پس حکم کن که آن، چه چیز باشد؟ پسر گفت: می‌باید که غریب باشد. پدر گفت: آخر، این چندین نشانی‌های دقیق را که عقول در آن حیران شوند، دادی از قوت تحصیل و دانش؛ این قدر بر تو چون فوت شد که در مشیت، غریب ننگند؟”

(فیه مافیه، مولوی)

در حکایت بالا از دو دسته دانش، سخن به میان آمد، درباره آنها تأمل کنید.

آدمی از همان ابتدای تولد صداها را می‌شنود. کم‌کم چشم باز می‌کند، اطراف خود را می‌بیند و به مرور اشیا و افراد را از هم تشخیص می‌دهد. بعد از مدتی با کلمات آشنا می‌شود، سخن می‌گوید و با سخن گفتن، روند آگاه شدن او از جهان اطرافش سرعتی شگرف می‌یابد. تا قبل از اینکه بتواند سخن بگوید، از راه حس (لمس کردن، شنیدن، دیدن و...) می‌فهمید؛ اما وقتی زبان می‌گشاید، راه جدیدی برای ارتباط با جهان و فهم آن، پیش رویش باز می‌شود. از آن پس به دریافت‌های حسی خویش بسنده نمی‌کند و برای شناخت جهان اطراف خود، از دانسته‌های دیگران نیز بهره می‌برد. پرسش و پاسخ از دیگران، بازهم راه دیگری برای فهم جهان هستی به روی او می‌گشاید. راهی که در میان موجودات دنیا، تنها برای آدمی گشوده شده است. انسان با تفکر و تعقل، از دیده‌ها، شنیده‌ها و خواننده‌هایش فراتر می‌رود، معنای پدیده‌های اطراف خود را درک می‌کند و به آگاهی گسترده‌تر و عمیق‌تری از عالم و آدم می‌رسد و ...

امروزه کودکان از شش سالگی به مدرسه می‌روند؛ در سنین بالاتر، راهی دبیرستان‌ها، دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمیه و دیگر مراکز تخصصی می‌شوند و دانش‌هایی را با عناوین مختلف می‌آموزند. هرآنچه افراد از تجربه‌های فردی و اجتماعی خود، مطالعات مدرسه‌ای، دانشگاهی و... می‌آموزند، **ذخیره آگاهی یا ذخیره دانشی** آنها را شکل می‌دهد. هر فرد، گروه، قوم، جامعه و امتی یک ذخیره دانشی دارد. این ذخیره دانشی، راهنمای زندگی آنهاست. آیا تاکنون درباره روش‌های به‌دست آوردن و حفظ کردن ذخیره دانشی و افزودن بر آن اندیشیده‌اید؟ آیا می‌دانید ذخیره دانشی چه انواعی دارد؟

دانش عمومی

کنش آدمی وابسته به آگاهی است و بدون آگاهی انجام نمی‌شود، ولی ما اغلب از آگاهی و دانشی که دربارهٔ کنش‌های خود داریم و اهمیت و نقشی که این آگاهی در زندگی ما دارد، غافلیم.

اگر به کنش‌های روزمرهٔ خود مانند راه رفتن، تلفن زدن، احوالپرسی از دیگران، خرید و کارهای ساده و پیچیدهٔ دیگر توجه کنیم، شاید در نگاه اول گمان کنیم که این کارها بدون آگاهی و دانشی خاص انجام می‌شوند یا تصور کنیم، دانشی که برای انجام دادن این کارها داریم، اهمیت چندانی ندارد، اما این طور نیست.

فرض کنید به پیشنهاد دوستی به یک میهمانی دعوت شده‌اید که در آن کسی را نمی‌شناسید. در چنین موقعیتی، دقت و احتیاط شما بیشتر می‌شود. پیش از انجام دادن هر کاری فکر می‌کنید. حتی به اینکه چگونه راه بروید، چه وقت و چگونه حرف بزنید و چه بگویید یا چگونه غذا بخورید، می‌اندیشید. در این موقعیت متوجه می‌شوید که در راه رفتن، غذا خوردن و حرف زدن آگاهی‌ها و دانش‌هایی وجود دارد که به سبب عادت، از نظر شما پنهان بوده است. اگر این آگاهی‌ها و دانش‌ها نباشند، زندگی اجتماعی ما مختل می‌شود و جهان اجتماعی فرو می‌پاشد. این دانش را انسان‌ها در طول زندگی خود به دست می‌آورند؛ یعنی این دانش، حاصل از زندگی است. ما انسان‌ها با تولد و ورود به جهان اجتماعی، با دیگرانی که در همان جهان اجتماعی زندگی می‌کنند، در مجموعه‌ای از آگاهی‌ها و دانش‌ها سهیم و شریک می‌شویم. این نوع از دانش را "**دانش عمومی**" می‌نامند. به نظر شما چرا این دانش را به این نام می‌خوانیم؟ فردی را تصور کنید که تصمیم می‌گیرد به تنهایی و بیرون از جامعه زندگی کند. این فرد در موقعیت‌هایی که از آنها آگاهی ندارد، با مشکل مواجه می‌شود و اگر بخواهد برای انجام دادن هر کاری بیندیشد، زندگی‌اش بسیار پرزحمت می‌شود. به نظر شما چه راه چاره‌ای پیش روی او قرار دارد؟

او مجبور است پیش از انجام دادن هر کاری، فکر کند تا آگاهی لازم را برای انجام آن به دست آورد و بتواند آن را انجام دهد. در صورتی که آن عمل موفقیت آمیز باشد، دفعات بعد برای انجام دادن آن از همان دانش قبلی استفاده می‌کند، لذا در وقت و انرژی او صرفه‌جویی می‌شود و می‌تواند به فعالیت‌های دیگر بیندیشد و راه انجام آنها را بیابد. بدین ترتیب به سختی بر ذخیرهٔ دانشی او افزوده می‌شود.



فیلم سینمایی "دور

افتاده" روایت فردی است که مجبور می‌شود به تنهایی در یک جزیره زندگی کند. او برای درست کردن آتش، ساعت‌ها وقت صرف می‌کند و برای کشیدن دندان خود پس از روزها تلاش مجبور می‌شود از ابزاری غیر متعارف استفاده کند.

اما از آنجا که ما انسان‌ها با هم زندگی می‌کنیم، مجبور نیستیم خودمان به تنهایی و جداگانه، دانش لازم برای تک‌تک کنش‌هایمان را تولید کنیم. جهان اجتماعی؛ یعنی جامعه و فرهنگی که در آن زندگی می‌کنیم، دانش لازم برای زندگی یا همان دانش عمومی را در اختیار ما قرار می‌دهد.

دانش عمومی، گسترده‌ترین بخش ذخیره دانشی ماست. ما درباره دانش عمومی کمتر می‌اندیشیم؛ بیشتر از آن استفاده می‌کنیم و در تعامل با یکدیگر آن را به کار می‌بریم. دانش عمومی برای زندگی اجتماعی، مانند هوا برای انسان است. انسان همواره از هوا استفاده می‌کند، اما اغلب متوجه آن نیست و از اهمیت آن غافل است. او هنگامی متوجه وجود هوا می‌شود که تغییری در آن رخ دهد و تنفس را با مشکل مواجه نماید.

گفت‌وگو کنید (صفحه ۴ کتاب درسی)

به نظر شما یادگیری دانش عمومی از کدام مرحله زندگی انسان شروع می‌شود و تا چه زمانی ادامه می‌یابد؟ دانش عمومی از همان ابتدای تولد با صداهایی که نوزاد می‌شنود و یا به تدریج با چیزهایی که اطراف خود می‌بیند، یعنی به طور کلی به کمک حواس به دست می‌آید و تا پایان عمر به تفکر و یا استفاده از دانسته‌های دیگران و یا مطالعه مطالب جدید همواره گسترده‌تر و عمیق‌تر می‌شود.

نمونه‌هایی از دانش عمومی که ویژه منطقه زندگی شماست مثال بزنید و درباره اهمیت آنها گفت‌وگو کنید.

ببینیم و بدانیم

فیلم سینمایی "دور افتاده" داستان فردی است که بر اثر یک اتفاق، مجبور می‌شود چهار سال به تنهایی در جزیره‌ای خالی از سکنه زندگی کند.

با تماشای این فیلم در می‌یابید که انجام دادن هر کنشی چقدر دشوار می‌شد اگر جهان اجتماعی، دانش عمومی لازم برای انجام آن را در اختیار ما قرار نداده بود.

دانش علمی

دانش عمومی بخشی از ذخیره دانشی ما را تشکیل می‌دهد. ذخیره دانشی بخش دیگری نیز دارد که با تأمل و اندیشه در دانش عمومی به دست می‌آید. به این دانش عمیق‌تر و دقیق‌تر، "دانش علمی" می‌گویند.

زبان یک پدیده اجتماعی است. ما درباره این پدیده اجتماعی هم "دانش عمومی" و هم "دانش علمی" داریم. با مقایسه دانش کاربران و سخنگویان زبان فارسی با دانش متخصصان زبان فارسی به تفاوت این دو بیندیشید.

کسی که دانش علمی دارد، به درک عمیقی از شناخت عمومی جهان اجتماعی خود می‌رسد؛ آسیب‌ها و اشکالاتی را که به شناخت عمومی راه پیدا کرده باشند، شناسایی می‌کند و قدرت پیدا می‌کند که از حقایق موجود در شناخت عمومی دفاع کند.



ساعت از قدیمی‌ترین

ابداعات بشر است. او با استفاده از دانش زمان خود برای اندازه‌گیری، نشان دادن و نگهداری زمان، ابزارهایی مانند ساعت آبی، آفتابی، شنی و شمعی ساخته است. امروزه فناوری، انسان را قادر ساخته، ساعت‌های بسیار ظریف و دقیق الکترونیکی، کامپیوتری و حتی اتمی بسازد.

تلاش‌های علمی به تدریج بر ذخیره دانش علمی جامعه می‌افزاید و دانش عمومی را غنی‌تر می‌کند. دانش علمی با تلاش برای حل مسائل و مشکلات زندگی، شکل می‌گیرد و پیشرفت می‌کند؛ یعنی هر وقت در یک جامعه، مسئله خاصی مطرح می‌شود، زمینه برای پیدایش و رشد دانش علمی درباره آن نیز فراهم می‌گردد؛ مثلاً کاهش یا افزایش بی‌رویه جمعیت در یک کشور می‌تواند زمینه فعالیت و رشد علم جمعیت‌شناسی و بروز مسائل اقتصادی در یک جامعه می‌تواند زمینه رشد علم اقتصاد را فراهم کند.

انسان در زندگی اجتماعی با مسائل و مشکلات زیادی مواجه می‌شود؛ مسائلی مانند ناامنی، ترافیک، اعتیاد، آلودگی هوا، بحران آب، بیکاری، فقر، نابرابری، قانون‌گریزی، بحران هویت، بحران اخلاقی، بحران آگاهی و همه کسانی که از دانش عمومی برخوردارند، این مشکلات را می‌شناسند و برای حل برخی از آنها راهکارهایی پیشنهاد می‌دهند. اما افرادی که درباره این مسائل شناخت علمی دارند، از شناختی دقیق برخوردارند و می‌توانند برای آنها راه‌های صحیح پیدا کنند.



آبیاری کوزه‌ای از روش‌های

سنتی آبیاری در مناطق خشک ایران بوده است. در این روش، کوزه‌های سفالی را پای گیاه در زیر خاک قرار می‌دادند. آب کم‌کم از جداره سفالی می‌تراوید و به خاک نفوذ می‌کرد. این روش، شیوه جدید آبیاری زیر سطحی با لوله‌های قطره چکان بوده است.



نیاز به پوشاک از نیازهای

اولیه انسان بوده و صنعت نساجی از قدیمی‌ترین صنایع بشری است. به تدریج با پیشرفت صنعت، زمینه علمی شدن نساجی و شکل‌گیری مهندسی نساجی فراهم شد.

مسئله: تعارض دانش علمی و دانش عمومی

گاهی میان "دانش عمومی" و "دانش علمی" یک جهان اجتماعی تعارض‌هایی پدید می‌آید. اعضای جهان اجتماعی، برای حل این تعارض‌ها، تلاش می‌کنند. تعارض‌ها، گاهی با رها کردن بخشی از ذخیره دانشی به نفع بخشی دیگر و گاهی با طرح ایده‌های جدید حل می‌شوند.

جهان‌های اجتماعی مختلف بر اساس هویت فرهنگی خود، تعاریف متفاوتی از دانش علمی دارند؛ مثلاً جهان متجدد، براساس هویت دنیوی خود، فقط علم تجربی را دانش علمی می‌داند و علوم عقلانی و وحیانی را علم محسوب نمی‌کند. وقتی چنین رویکردی، به جوامع دیگر که دانش علمی را به دانش تجربی منحصر و محدود نمی‌بینند و علاوه بر علم تجربی، علوم عقلانی و وحیانی را معتبر می‌دانند سرایت می‌کند، در این جوامع، تعاریف متفاوت و گاه متضادی از علم رواج می‌یابد و در ذخیره دانشی آنها تعارض‌هایی پدید می‌آورد. در چنین شرایطی، ارتباط دو سویه دانش عمومی و دانش علمی قطع می‌شود؛ دانش عمومی به‌طور همه جانبه از دانش علمی حمایت نمی‌کند، دانش علمی از رشد و رونق لازم باز می‌ماند و دغدغه و توان لازم برای حل مسائل و مشکلات دانش عمومی را از دست می‌دهد.

ایده علوم انسانی و اجتماعی بومی (اسلامی و ایرانی) در کشور ما در ارتباط با چنین مشکلاتی مطرح شده است. ما دانشی می‌خواهیم که؛

- همسو با هویت فرهنگی خودمان و ناظر به حل مسائل جامعه ما باشد.
- همچنین دغدغه کشف واقعیت و تشخیص درست و غلط داشته باشد.

یعنی از سویی در حل مسائل و مشکلات بومی ما مفید و کارآمد باشد و از سوی دیگر به زبان و منطق جهان شمول سخن بگوید و در گشودن مرزهای دانش علمی به روی جهانیان مشارکت داشته باشد.

به نظر شما نظام آموزشی ما برای تحقق چنین هدف والایی نیازمند چه تغییراتی است؟ آیا می‌توانید نمونه‌هایی از این تغییرات را برای مدرسه خودتان پیشنهاد دهید؟ به‌عنوان نمونه در مواردی مانند رابطه مدرسه و خانواده، تعامل مدرسه و محله، دروسی که می‌خوانید، روش‌های یاددهی یادگیری، روش‌های ارزشیابی و... چه تغییراتی را لازم می‌بینید؟

مباحثه کنید

در جدول زیر سه دیدگاه درباره رابطه دانش عمومی و دانش علمی تشریح شده‌اند. با مطالعه و بررسی آنها بگویید کتاب از کدام دیدگاه دفاع می‌کند.

"عکس"	در این دیدگاه، تفاوت دانش علمی با دانش عمومی در روش آنهاست. دانش علمی تنها از راه حس و تجربه و به صورت نظام مند به دست می‌آید ولی دانش عمومی، دانش حاصل از زندگی افراد است که از راه جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری به دست می‌آید. دانش علمی (تجربی) راه کشف واقعیت و تنها دانش معتبر است. دانش عمومی در مقابل دانش علمی از ارزش ناچیزی برخوردار است. دانش علمی برای حفظ هویت خود باید از ورود دانش عمومی به قلمرو علم جلوگیری کند.
"عکس"	این دیدگاه در تقابل با رویکرد اول، این ادعا را که دانش علمی، راه کشف واقعیت و دانش عمومی، دانش حاصل از زندگی است انکار می‌کند و همه دانش‌ها را دانش حاصل از زندگی می‌داند. دانش‌ها کشف و بازخوانی واقعیت نیستند، بلکه خَلق و بازسازی آن هستند که انسان‌ها برای سامان دادن به زندگی خود تولید می‌کنند. برتری دانش تجربی بر دانش حاصل از زندگی را بی‌اعتبار می‌داند و به عکس دانش عمومی را پایه و اساس هرگونه دانشی از جمله دانش تجربی می‌داند. در برخی از نحله‌های این دیدگاه، مرز دانش علمی و دانش عمومی فرو می‌پاشد.
"عکس"	در این دیدگاه دانش علمی به دانش تجربی محدود نمی‌شود بلکه دانش‌های فراتجربی مانند دانش‌های عقلانی و وحیانی را نیز شامل می‌شود که هر کدام ملاک سنجش و اعتباریابی خاص خود را دارد. دانش عمومی نیز دانش غیرموتق و نامعتبر نیست، بلکه کم و بیش در آن دانش‌های حقیقی و صحیح نیز وجود دارد. دانش علمی به دلیل امکان اعتباریابی، نسبت به دانش عمومی از اعتبار بیشتری برخوردار است. دانش علمی ضمن ریشه داشتن در دانش عمومی، امکان انتقاد از دانش عمومی و تصحیح آن را دارد. دانش عمومی و دانش علمی رابطه متقابل دارند. بر یکدیگر اثر گذاشته و از هم اثر می‌پذیرند و به مرور متناسب می‌شوند. از این رو هر دانش علمی، با هر دانش عمومی سازگار نیست.

مفاهیم اساسی (صفحه ۹ کتاب درسی)

دانش عمومی، ذخیره دانشی، ذخیره آگاهی، دانش همگانی، دانش علمی، دانش تجربی

دانش عمومی، گسترده‌ترین بخش ذخیره دانشی ما را تشکیل می‌دهد.

انسان از زمانی که به دنیا می‌آید تا زمانی که می‌میرد دانسته‌هایی از راه‌های مختلف به دست می‌آورد که به آن **ذخیره دانشی و یا ذخیره آگاهی** می‌گویند. انواع ذخیره دانشی وجود دارد عبارت است از:

(۱) **دانش عمومی**

(۲) **دانش علمی**

دانش علمی دانش‌هایی است که نتیجه تفکر، اندیشه و جست‌وجوهای عقلی درمورد بقیه ذخیره‌های علمی جامعه است.

جوامعی که روش‌های عقلانی و وحیانی را نیز معتبر می‌دانند نباید از تعریف فرهنگ متجدد پیروی کنند وگرنه دچار اختلافاتی می‌شوند.

آنچه از این درس آموختیم (صفحه ۹ کتاب درسی)

تمامی کنش‌های آدمی وابسته به آگاهی اوست و آگاهی و دانشی که از هنگام تولد تا زمان مرگ همواره و از طرق مختلف کسب می‌شود، به مجموعه این آگاهی‌ها که در طول زندگی افراد و جوامع کسب می‌شود و راهنمای زندگی آن‌هاست ذخیره دانشی یا ذخیره آگاهی می‌گویند که خود شامل دو بخش است، دانش عمومی که از طریق احساس و مشاهده و عمل در زندگی مشترک با دیگران به دست می‌آید و دانش علمی که در اثر تأمل و خردورزی و کاوش‌های عقلی کسب می‌شود و موجب گسترش و تعمیق دانش عمومی می‌گردد. بین این دو دانش ارتباط دو سویه است و گاهی تعارضاتی ایجاد می‌شود.

درس ۲: علوم اجتماعی

معمولاً هر کدام از شما، تا قبل از حضور معلم در کلاس، مشغول کارهایی مانند مطالعه کردن، صحبت کردن با دوستان یا بگو و بخند هستید. اما با حضور معلم و شروع رسمی کلاس، رفتارتان تغییر می‌کند؛ مثلاً به سمت جلوی کلاس برمی‌گردید و صحبتتان را قطع می‌کنید. آیا تا به حال فکر کرده‌اید که با حضور معلم و شروع رسمی کلاس، چه اتفاقی می‌افتد که دانش‌آموزان، تقریباً همه حرف‌ها یا کارهای ضروری‌شان را کنار می‌گذارند و همگی به شیوه معینی رفتار می‌کنند؟ چرا اگر همین دانش‌آموزان در زمین ورزش یا زنگ تفریح در کنار هم قرار بگیرند، رفتار آنها مانند رفتارشان در کلاس درس نیست؟ چرا اگر در همین کلاس و با حضور معلم، جشن یا مراسمی برگزار شود، کسی به آن کلاس درس نمی‌گوید و رفتار دانش‌آموزان و معلم همانند کلاس درس نیست؟ بنابراین کلاس درس، هرچند از اجزا و عناصری مانند اتاق، میزها، صندلی‌ها، دانش‌آموزان و معلم تشکیل شده اما خود، واقعیتی بیشتر از این اجزا و عناصر که بر همه آنها تأثیر می‌گذارد.

همه ما، تأثیر اجتماعی مثل کلاس، محله، خانواده، روستا، شهر، کشور و جهانی را که در آن زندگی می‌کنیم بر رفتار خودمان احساس می‌کنیم و در مقابل، کم و بیش متوجه تأثیر کنش‌های خودمان بر ایجاد، تداوم و تغییر این اجتماعات نیز هستیم که خود پدید می‌آوریم.

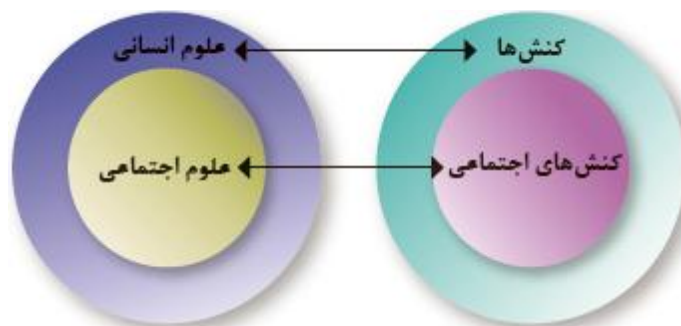
مطالعه علمی این اجتماعات به شکل‌گیری علوم اجتماعی انجامید. در واقع علوم اجتماعی به دانش‌هایی گفته می‌شود که اجتماعات انسانی و چگونگی اثرگذاری آنها بر کنش‌ها و شیوه زندگی ما و همچنین اثرپذیری آنها از کنش‌ها و شیوه زندگی ما را به روش علمی مطالعه می‌کنند. درباره علوم اجتماعی چه می‌دانید؟ علوم اجتماعی چه نسبتی با علوم انسانی دارند؟

علوم انسانی و علوم اجتماعی

هر علمی درباره موضوع خاصی بحث می‌کند. علوم انسانی درباره کنش‌های انسان و آثار و پیامدهای آن بحث می‌کند. می‌دانید کنش با آگاهی و اراده انسان انجام می‌شود و هدف و معنای خاصی دارد و به همین دلیل شناخت آن بدون فهم هدف و معنای آن ممکن نیست. علوم انسانی از فعالیت‌های غیرارادی انسان‌ها بحث نمی‌کند؛ زیرا فعالیت‌های غیرارادی، کنش نیستند. علمی که به این پدیده‌ها می‌پردازد، با آنکه درباره انسان بحث می‌کند، جزء علوم انسانی نیستند؛ مانند علم پزشکی که به بدن انسان و سلامتی و بیماری آن می‌پردازد ولی جزء علوم طبیعی محسوب می‌شود.

موضوع علوم طبیعی، پدیده‌های طبیعی هستند؛ مثلاً زمین‌شناسی درباره زمین بحث می‌کند و علم نجوم ستارگان و سیاره‌ها را مطالعه می‌کند. پدیده‌های طبیعی بر خلاف کنش‌ها و پیامدهای آن، به تصمیم و اقدام انسان‌ها وابسته نیستند، بلکه مستقل از اراده انسان‌ها و اهداف و معانی مورد نظر آنها، وجود دارند.

می‌دانید که برخی از کنش‌های انسان‌ها، اجتماعی‌اند. علوم انسانی، کنش‌های انسانی و پیامدهای آن را مطالعه می‌کنند ولی علوم اجتماعی، کنش‌های اجتماعی و پیامدهای آن را مطالعه می‌کنند. موضوع علوم انسانی عام‌تر از موضوع علوم اجتماعی است و علوم اجتماعی خود بخشی از علوم انسانی محسوب می‌شوند ولی برخی علوم انسانی در زمره علوم اجتماعی نیستند. روان‌شناسی نمونه‌ای از علوم انسانی و جامعه‌شناسی نمونه‌ای از علوم اجتماعی‌اند.



بخوانیم و بدانیم

فلسفه یا متافیزیک جزء کدام دسته از علوم است؟

موضوع فلسفه و علوم طبیعی با هم تفاوت دارد. موضوع علوم طبیعی، پدیده‌های طبیعی است. علوم طبیعی، قوانین طبیعت و پدیده‌های طبیعی را شناسایی می‌کند؛ مثلاً زیست‌شناسی درباره موجودات زنده بحث می‌کند و موجودات زنده را دارای ویژگی‌هایی مانند حرکت، تغذیه و رشد می‌داند. موضوع فلسفه و علوم انسانی و اجتماعی نیز تفاوت دارند. موضوع علوم انسانی و اجتماعی نیز کنش‌های آدمیان و پیامدهای آن هستند. این علوم، قوانین مربوط به کنش‌های آدمیان را مطالعه می‌کنند؛ مثلاً اقتصاد به کنش‌های اقتصادی همچون تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات می‌پردازد؛ درحالی که موضوع فلسفه اصل وجود است؛ یعنی به موجودی خاص مانند موجودات طبیعی و انسانی و اجتماعی نمی‌پردازد بلکه قوانین کلی موجودات را شناسایی می‌کند. این قوانین شامل همه موجودات می‌شود و مخصوص موجودات طبیعی یا انسانی و اجتماعی نیست؛ مانند قانون علیت. قانون علیت می‌گوید هر پدیده طبیعی، انسانی و اجتماعی علّی دارد و خود به خود، اتفاقی در جهان رخ

نمی‌دهد. بنابراین فلسفه نه جزء علوم طبیعی است و نه جزء علوم انسانی و اجتماعی؛ بلکه خود دانشی مستقل است.

نمونه بیاورید (صفحه ۱۲ کتاب درسی)

دانش‌های روانشناسی، اخلاق، مردم‌شناسی، تاریخ، شیمی و فیزیک زیرمجموعه کدام دسته از علوم قرار می‌گیرند؟

علوم		
علوم اجتماعی	علوم انسانی	علوم طبیعی
.....		

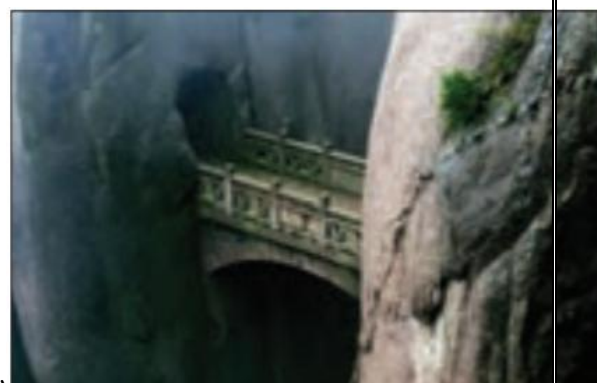
فواید علوم اجتماعی

ما حتی اگر درباره علوم طبیعی اطلاعات چندانی نداشته باشیم، می‌پذیریم که این علوم خوب هستند و نتایج سودمندی دارند.



پلی در جزیره

کانتی واشنگتن



پل جاودانه‌ها،

هانگ‌شانگ چین

آیا درباره علوم اجتماعی هم همین نظر را دارید؟ به نظر شما علوم اجتماعی چه فوایدی دارند؟ با مقایسه علوم طبیعی و علوم اجتماعی می‌توانیم به برخی فواید علوم اجتماعی پی ببریم: علوم طبیعی، جهان طبیعی و پدیده‌های آن را مطالعه می‌کنند. این علوم با شناخت طبیعت و قوانین آن، به انسان قدرت پیش‌بینی حوادث طبیعی و پیشگیری از آنها را می‌دهند و به او در استفاده از طبیعت کمک می‌کنند. علوم طبیعی و فناوری حاصل از آنها، ابزار بهره‌مندی انسان از طبیعت و همچنین وسیله غلبه او بر محدودیت‌های طبیعی‌اند.

علوم اجتماعی نیز با شناخت پدیده‌های اجتماعی، به انسان‌ها امکان می‌دهند که آثار و پیامدهای پدیده‌های اجتماعی را پیش‌بینی کنند. البته به سبب آگاهانه و ارادی بودن کنش‌های اجتماعی پیش‌بینی در علوم اجتماعی پیچیده‌تر از علوم طبیعی است.

دانشمندان علوم اجتماعی تلاش می‌کنند نظم و قواعد جهان اجتماعی را کشف کنند. آنها با کشف این قواعد می‌توانند تأثیر اجتماعات بر زندگی ما را توضیح دهند. ما با شناخت قواعد زندگی در خانواده، کلاس، شهر، محله، کشور و دیگر اجتماعات، هم از فرصت‌های آنها برخوردار می‌شویم و هم از آسیب‌های احتمالی زندگی در اجتماعات مختلف در امان می‌مانیم. علاوه بر این، علوم اجتماعی فواید دیگری هم دارند که علوم طبیعی ندارند؛ علوم اجتماعی زمینه فهم متقابل انسان‌ها و جوامع مختلف از یکدیگر را فراهم می‌سازند و به افزایش همدلی و همراهی انسان‌ها کمک می‌کنند.

علوم اجتماعی، ظرفیت دآوری درباره ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و نقد و اصلاح آنها را دارند. علوم اجتماعی با دآوری درباره پدیده‌های اجتماعی و انتقاد از آنها، فرصت موضع‌گیری اجتماعی مناسب و صحیح را برای دانشمندان فراهم می‌آورند.

علوم اجتماعی ظرفیت دآوری درباره علوم طبیعی و فناوری حاصل از آن را نیز دارند. علوم اجتماعی، درباره فرصت‌ها و محدودیت‌های فناوری به انسان‌ها آگاهی می‌دهند و به آنها کمک می‌کنند که از طبیعت و علوم طبیعی به شیوه صحیح استفاده کنند. از این‌رو، علوم اجتماعی نسبت به علوم طبیعی از اهمیت بیشتری برخوردارند.



امروزه، فناوری بر زندگی بشر سیطره یافته و او

را کنترل می‌کند.



انتشار خبر



دروغین فوتِ آلفرد نوبل، شیمی‌دان سوئدی، مخترع دینامیت و صاحب کارخانهٔ اسلحه‌سازی بوفورس در یک روزنامه، او را به فکر انداخت که تصویر بهتری از خود برای آیندگان به‌جا گذارد. در آن خبر آمده بود: "فرشته مرگ مرد. فردی که با یافتن راهی برای کشتن افراد بیشتر در زمانی کمتر، ثروتمند شده بود، دیروز مرد". نوبل بیشتر دارایی خود را به جایزه‌ای به نام خود اختصاص داد تا همه ساله به افراد شایسته اهدا گردد.



شکستن سنگ در معادن



سنگ و تخریبِ ایمن سازه‌های عظیم و آسمان خراش‌ها با استفاده از دینامیت بدون آسیب رسیدن به ساختمان‌های اطراف.

بخوانیم و بدانیم

ابوعلی سینا هنوز به سن بیست سالگی نرسیده بود که تمام علوم زمان خود را فرا گرفت و سرآمد عصر شد. روزی به مجلس درس ابوعلی مسکویه رازی، دانشمند معروف آن زمان، حاضر شد. او با کمال غرور، گردویی را جلوی پای ابن مسکویه افکند و گفت: مساحت سطح این گردو را تعیین کن. ابن مسکویه کتابی که در علم اخلاق و

تربیت نوشته بود جلوی ابن سینا گذاشت و گفت: تو نخست، اخلاق خود را اصلاح کن تا من مساحت گردو را تعیین کنم. تو به اصلاح خود محتاج‌تری تا من به تعیین مساحت گردو. بوعلی از این گفتار خود شرمسار شد و این جمله، راهنمای اخلاق او در همه عمرش قرار گرفت.

علوم طبیعی را به دلیل اینکه ابزار تسلط انسان بر طبیعت و ابزار رهاسازی انسان از محدودیت‌های طبیعی‌اند **“علوم ابزاری”** نیز می‌گویند. علوم انسانی به دلیل اینکه به فهم معانی کنش‌های انسان‌ها می‌پردازند، **“علوم تفهیمی”** نامیده می‌شوند و از این نظر که به انتقاد از کنش‌های ناپسند آدمیان می‌پردازند، **“علوم انتقادی”** گفته می‌شود.

مقایسه فواید علوم انسانی و اجتماعی و علوم طبیعی	
فواید علوم انسانی و اجتماعی	فواید علوم طبیعی
- شناخت و فهم معانی کنش‌های آدمیان و پیامدهای آن - شناسایی عواملی که بر زندگی انسان و کنش‌های او تأثیر دارند یا پیش‌بینی کنش‌ها و پیامدهای آنها برای پیشگیری - شناخت فضیلت، عدالت، سعادت و راه صحیح زندگی و داوری درباره کنش‌های خوب و بد انسان‌ها - انتقاد از کنش‌های ناپسند و ظالمانه انسان‌ها - رها کردن و آزادسازی انسان‌ها از ظلم‌ها و اسارت‌هایی که در اثر کنش‌های انسان‌ها پدید می‌آید. - نشان دادن شیوه صحیح استفاده از علوم طبیعی و دانش‌های ابزاری	- شناخت طبیعت و قوانین آن - پیش‌بینی حوادث طبیعی برای پیشگیری و تسلط بر طبیعت - رهاسازی انسان از محدودیت‌های طبیعت

گفت‌وگو کنید (صفحه ۱۵ کتاب درسی)

با توجه به آنچه در درس خواندید درباره دو مسئله زیر و پیامدهای آنها گفت‌وگو کنید.

- در کشور ما بسیاری از مدیران ارشد که برنامه‌ریزی برای کشور از وظایف آنهاست، فارغ التحصیل و دانش آموخته علوم انسانی نیستند.

درک ناقص از حوزه مدیریتی خود، برنامه‌ریزی ناسازگار با نیازهای کشور در آن حوزه، هدر رفتن منابع، عدم تحقق اهداف، تأثیر منفی بر نخبگان دانش آموخته علوم انسانی

- امروزه، فناوری بر زندگی بشر سیطره یافته است و به جای اینکه انسان، توسعه فناوری را هدایت و راهبری کند، فناوری، زندگی انسان‌ها را کنترل می‌کند.

از دست رفتن قوه ابتکار و خلاقیت - تأثیر منفی بر سلامت روانی و اجتماعی - ایجاد مسایل اجتماعی جدید -

اتلاف سرمایه‌های انسانی

شاخه‌های علوم اجتماعی

علوم اجتماعی، کنش‌های اجتماعی و پیامدهای آن؛ یعنی پدیده‌های اجتماعی را مطالعه می‌کنند. کنش‌های اجتماعی، ابعاد و انواع مختلفی دارند. برای بررسی و مطالعه این انواع و ابعاد، دانش‌های مختلفی به‌وجود آمده است؛ یعنی همان‌طور که بدن انسان اعضای مختلفی دارد و تخصص‌های گوناگونی درباره آن پدید آمده است، زندگی اجتماعی انسان نیز به دلیل اینکه ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... دارد، شاخه‌ها و دانش‌های اجتماعی متفاوتی را پدید آورده است. اقتصاد، حقوق، سیاست، تاریخ، باستان‌شناسی، ارتباطات، مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی، جمعیت‌شناسی، زبان‌شناسی، مدیریت، روان‌شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی و جغرافیای انسانی از جمله رشته‌هایی هستند که پدیده‌های اجتماعی را مطالعه می‌کنند.



جامعه‌شناسی یکی از شاخه‌های علوم اجتماعی است. برخی جامعه‌شناسان، جامعه‌شناسی را علم شناخت "کنش اجتماعی" و بعضی آن را علم شناخت "ساختار اجتماعی" دانسته‌اند.

“جامعه‌شناسی خُرد” کنش اجتماعی و سایر پدیده‌های اجتماعی خرد را بررسی و مطالعه می‌کند؛ **“جامعه‌شناسی کلان”** ساختار اجتماعی و سایر پدیده‌های اجتماعی کلان را بررسی و مطالعه می‌کند. جامعه‌شناسی خرد و کلان نیازمند به هم و مکمل یکدیگرند.

در جامعه‌شناسی بر اساس دوری و نزدیکی به علوم طبیعی، رویکردهای مختلفی شکل گرفته است. **جامعه‌شناسی تبیینی، جامعه‌شناسی تفسیری و جامعه‌شناسی انتقادی** سه رویکرد اصلی جامعه‌شناسی‌اند. در درس‌های بعد با این سه رویکرد و نقاط قوت و ضعف آنها آشنا می‌شویم.



بررسی پدیده‌های خرد و کلان در جامعه‌شناسی

شهری؛ روابط همسایگی، ریخت‌شناسی شهری، ترافیک، آلودگی و مهاجرت.

تأمل کنید (صفحه ۱۷ کتاب درسی)

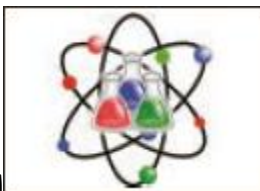
- انتخاب رشته تحصیلی دانشگاهی یکی از تصمیم‌های مهم زندگی شماست. برای انتخاب رشته باید رشته‌های مختلف را با یکدیگر مقایسه کنید. برای مقایسه، به ملاک و معیار نیاز دارید. بسیاری از خانواده‌ها بیشتر ملاک آینده شغلی را در نظر می‌گیرند و با این ملاک به ارزیابی رشته‌ها می‌پردازند؛ یعنی هر رشته‌ای را که فرصت‌های شغلی بیشتر و بهتری داشته باشد، ترجیح می‌دهند.

به نظر شما، در بین رشته‌های علوم اجتماعی کدام رشته از آینده شغلی بهتری برخوردار است؟ آیا ملاک دیگری غیر از آینده شغلی برای مقایسه رشته‌های علمی وجود دارد؟

آینده شغلی تا حد زیادی تحت تأثیر محیط اجتماعی است. در محیط اجتماعی ما رشته‌هایی چون حقوق، روانشناسی اجتماعی، اقتصاد از جایگاه و فرصت شغلی بالاتری برخوردارند.

بله، ملاک‌هایی چون علائق و استعداد افراد، تنوع کاری، نیاز جامعه و جایگاه رشته علمی در جامعه و ...

- دانش‌آموخته یا کارشناس یکی از رشته‌های علوم اجتماعی را به کلاس درس دعوت کنید و از او بپرسید که رشته علمی ایشان چه فوایدی برای جامعه دارد و دانش‌آموختگان این رشته از چه توانایی‌ها و مهارت‌هایی برخوردارند؟



امروزه رشته‌های علوم پایه مانند فیزیک،

شیمی، زیست‌شناسی و... که مادر دانش‌های فنی مهندسی و پزشکی و... محسوب می‌شوند، مهجور مانده‌اند و در انتخاب رشته، جزء اولین انتخاب‌ها قرار نمی‌گیرند.

مفاهیم اساسی (صفحه ۱۸ کتاب درسی)

- علوم اجتماعی، فواید علوم اجتماعی، شاخه‌های علوم اجتماعی، جامعه‌شناسی، جامعه‌شناسی پوزیتیویست، جامعه‌شناسی تفهیمی، جامعه‌شناسی انتقادی

خلاصه کنید (صفحه ۱۸ کتاب درسی)

- علوم اجتماعی در مقایسه با علوم طبیعی اهمیت بیشتری دارند.

علوم اجتماعی به مطالعه علمی پدیده‌های اجتماعی می‌پردازد.

علوم طبیعی به مطالعه علمی پدیده‌های طبیعی می‌پردازد.

جامعه‌شناسی از دید جامعه‌شناسان خرد به مطالعه پدیده‌های خرد و کنش اجتماعی و از دید جامعه‌شناسان

کلان به مطالعه پدیده‌های کلان و ساختار اجتماعی می‌پردازد.

از قرن ۱۹ همراه با اهمیت یافتن علوم طبیعی سه نوع جامعه‌شناسی پوزیتیویستی، تفهیمی و انتقادی شکل گرفت.

آنچه از این درس آموختیم (صفحه ۱۸ کتاب درسی)

علوم اجتماعی و علوم طبیعی هریک فوایدی دارند اما علوم اجتماعی اهمیت بیشتری دارد، به دلیل اینکه به شناخت شیوهٔ صحیح استفاده از علوم طبیعی کمک می‌کند. جامعه‌شناسی خرد به مطالعهٔ کنش‌های اجتماعی و پدیده‌های خرد و جامعه‌شناسی کلان به مطالعهٔ ساختار اجتماعی و پدیده‌های کلان می‌پردازد. و همچنین جامعه‌شناسی از قرن ۱۹ براساس دوری و نزدیکی به علوم طبیعی به سه بخش پوزیتیویستی، تفهمی و انتقادی تقسیم شده که هر کدام موضوع، روش و هدف خاصی را پیگیری می‌کنند.



درس ۳: نظم اجتماعی

چند وقت پیش با پدرم برای تماشای شهرآورد استقلال و پرسپولیس به ورزشگاه آزادی رفتیم. از قبل، بلیت اینترنتی تهیه کرده بودیم. بعد از ماه‌ها انتظار، با کلی ذوق و شوق، چند ساعت زودتر راهی ورزشگاه آزادی شدیم. در راه رسیدن به ورزشگاه، ترافیک بسیار سنگین بود. انبوه دست‌فروش‌ها، کاسبی می‌کردند. زباله‌های روی زمین، منظره ناخوشایندی ایجاد کرده بود. اوضاع درهم و برهمی بود. به سختی وارد محوطه استادیوم شدیم و جمعیت بسیار زیاد آبی‌ها و قرمزها را دیدیم. با اینکه نزدیک چهار ساعت به شروع بازی مانده بود، استادیوم پر شده بود. می‌گفتند که مردم از صبح زود منتظر ورود به ورزشگاه بوده‌اند. حتی بعضی‌ها شب قبل، از شهرستان آمده و بیرون استادیوم چادر زده بودند. خلاصه نتوانستیم جای مناسبی برای نشستن پیدا کنیم. صندلی خالی بود ولی بعضی‌ها آنها را برای دوستانشان نگه داشته بودند. بعضی از آبی‌ها علیه قرمزها و قرمزها علیه آبی‌ها شعارهایی خجالت‌آور سر می‌دادند و... . ترجیح دادیم به منزل برگردیم و بازی را از تلویزیون تماشا کنیم. هنگام برگشت، با پدرم صحبت می‌کردیم که چرا این همه جمعیت از این همه ساعت قبل به استادیوم می‌آیند و منتظر می‌مانند تا بازی شروع شود؟ چرا برخی تماشاچیان، رفتارهای نا بهنجار دارند؟ و خیلی چراهای دیگر. به راستی با وجود این همه بی‌نظمی، برگزاری شهرآورد زیبا و جذاب با این تعداد زیاد از تماشاچیان چگونه امکان‌پذیر می‌شود؟

قواعد اجتماعی

با اینکه در ورزشگاه آزادی بی‌نظمی بیشتر به چشم می‌آید، ولی نظم هم وجود دارد، هر چند کمتر دیده می‌شود. در واقع ما بی‌نظمی را بیشتر می‌بینیم و نظم را مشاهده نمی‌کنیم؛ زیرا به نظم عادت کرده‌ایم. قدری تأمل کنید؛ در همان مثال ورزشگاه چه نظم‌هایی وجود دارند که به آنها توجه نکرده‌اید؟

در روز برگزاری شهرآورد، وسایل نقلیه عمومی برای رسیدن به ورزشگاه وجود دارد، پلیس در خیابان‌ها حضور دارد، هنگام ورود به ورزشگاه، نیروی انتظامی تماشاچیان را بازرسی می‌کند، همه بازیکنان به موقع در زمین بازی حاضر می‌شوند، بازی سر ساعت معین شروع می‌شود، بازی طبق قواعد از پیش تعیین شده انجام می‌شود و... .

در زندگی روزمره نیز بی‌نظمی بیشتر از نظم به چشم می‌آید. دانش‌آموزی که دیر به مدرسه می‌رسد یا تکالیف خود را به موقع انجام نمی‌دهد، راننده‌ای که در شانه خاکی جاده رانندگی می‌کند یا سبقت غیرمجاز می‌گیرد، کارمند بانکی که در پرداخت وام، آشنایان و بستگان خود را در اولویت قرار می‌دهد، پزشکی که بیماران خود را در

مطب منتظر می‌گذارد و... بیشتر به چشم می‌آیند درحالی که نظم‌ها از نظر ما پنهان هستند و کمتر به چشم می‌آیند؛ مثلاً دانش آموزان اغلب به موقع در مدرسه حاضر می‌شوند، مردم معمولاً قواعد راهنمایی و رانندگی را رعایت می‌کنند و....

در زندگی روزمره بی‌نظمی



بیشتر به چشم می‌آید و نظم از نظر پنهان می‌ماند.

ما نمی‌توانیم نظم را مشاهده کنیم به دلیل آنکه به نظم عادت کرده‌ایم. جامعه‌شناسان برای شناختن نظم، از امور آشنا و مأنوس "آشنایی زدایی" می‌کنند؛ یعنی از دید یک فرد غریبه به موضوعات آشنا و روزمره اطراف خود نگاه می‌کنند و در کنار بی‌نظمی، نظم را می‌شناسند. در زندگی ما انسان‌ها نظم‌های پنهان و شگفت‌انگیزی وجود دارد که با هنر آشنایی‌زدایی از امر مأنوس، می‌توان آنها را کشف کرد. آیا می‌توانید نمونه‌هایی از نظم‌های پنهان زندگی خود و دیگران را مثال بزنید؟



راه رفتن یک کنش

اجتماعی پیش پا افتاده به‌نظر می‌رسد ولی برای راه رفتن صحیح، هر فرد تلاش می‌کند قواعدی را رعایت کند. او فاصله و حالتی به خود می‌گیرد تا هنگام رد شدن از کنار دیگری با او برخورد نکند یا طوری به نظر نیاید که همراه دیگری راه می‌رود.



به گفته گیدنز

گردشگران غربی وقتی نخستین بار از یک کشور مسلمان دیدن می‌کنند از صدای اذان که روزی پنج مرتبه از مناره‌ها به گوش می‌رسد، شگفت‌زده می‌شوند. این صدای زیبا و گیرا برای اکثر غربی‌ها نامأنوس اما برای ساکنان محلی جزئی از زندگی روزمره است.

نظم اجتماعی در نتیجه قواعدی برقرار می‌شود که ما انسان‌ها برای با هم زندگی کردن پذیرفته‌ایم. نظم یعنی قرار گرفتن هر پدیده در جای خود که جای پدیده‌ها را همین قواعد تعیین می‌کنند. نظم اجتماعی پیش‌بینی رفتار دیگران و همکاری با آنها را امکان‌پذیر می‌نماید؛ باعث می‌شود شما بدانید که چه توقعات و انتظاراتی می‌توانید از دیگران داشته باشید و اتفاقات غیرمنتظره، شما را از همکاری با دیگران باز ندارند.

ما اغلب می‌دانیم که باید از راننده تاکسی، پلیس، پزشک، همسایه یا دوست انتظار چه رفتارهایی را داشته باشیم و در مواجهه با آنها چگونه رفتار کنیم. گرچه ممکن است گاهی دانسته‌هایمان غلط از آب درآیند، دیگران مطابق انتظارات رفتار نکنند و حوادثی خلاف قواعد رخ دهند.

نظم اجتماعی در نتیجه



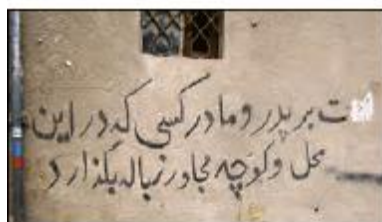
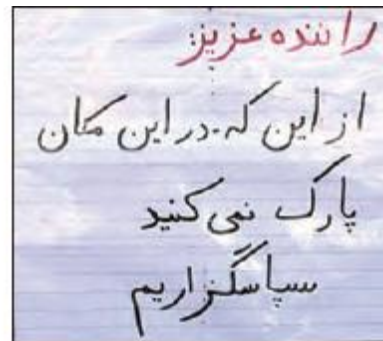
قواعدی که ما انسان‌ها برای با هم زندگی کردن پذیرفته‌ایم، برقرار می‌شود اما گاهی دیگران مطابق انتظارات رفتار نمی‌کنند و حوادثی خلاف قواعد رخ می‌دهند.

جامعه‌شناسان در شناختن نظم اجتماعی، به این پرسش‌ها توجه می‌کنند؛ قواعد و هنجارهای با هم زندگی کردن چگونه به‌وجود می‌آیند؟ چگونه دوام می‌آورند؟ چگونه تغییر می‌کنند؟

هم اندیشی کنید (صفحه ۲۲ کتاب درسی)

شما وضعیت قانون‌گرایی و قانون‌گریزی در جامعه ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا زندگی اجتماعی فقط با قوانین رسمی سامان می‌یابد یا قواعد دیگری هم وجود دارند؟ آیا می‌توانید برخی از این قواعد غیررسمی را نام ببرید؟

اشیای تاریخی مربوط به هزاره سوم پیش از تاریخ



که توسط چند تن از اهالی روستایی در سیستان و بلوچستان کشف و به اداره کل میراث فرهنگی استان تحویل داده شد.

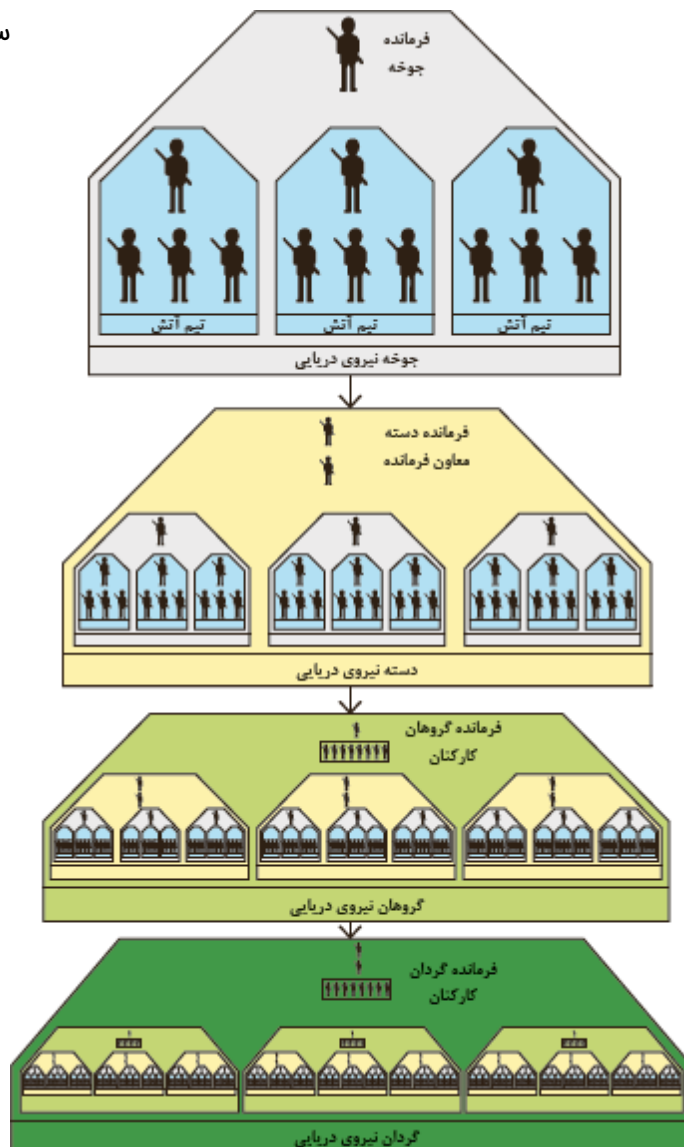
نظام اجتماعی

آموختید که قواعد اجتماعی، ارتباط ما با یکدیگر را امکان پذیر می سازند و سامان می دهند، کنش های ما را برای یکدیگر قابل پیش بینی می کنند و امکان مشارکت ما در زندگی اجتماعی را فراهم می آورند. اما خود این قواعد چگونه با هم مرتبط و سازگار می شوند؟ مثلاً قواعد اقتصادی یعنی قواعد تولید، توزیع و مصرف چگونه با یکدیگر هماهنگ می شوند؟ یا قواعد اقتصادی چگونه با قواعد زندگی خانوادگی یا قواعد سیاسی هماهنگ می شوند؟ جامعه شناسان برای پاسخ به این پرسش ها، از "ساختار اجتماعی" سخن می گویند. ارتباط میان پدیده های اجتماعی ساختار اجتماعی نامیده می شود. ساختار اجتماعی چگونگی رابطه و پیوند میان پدیده های اجتماعی مختلف است.

ساختار اجتماعی را در گروه‌های رسمی مانند سازمان‌ها بهتر می‌توان دید. در هر سازمانی حقوق و تکالیف مربوط به هر نقش، چگونگی روابط میان اعضا و... مشخص است.

ساختار نیروی دریایی، در نمودار زیر مثال خوبی از یک ساختار اجتماعی است.

سنگ بنای نیروی دریایی تیم آتش است. تیم آتش متشکل از



سه تفنگدار و یک فرمانده تیم است. نقش مربوط به هر یک از این پایگاه‌ها، میزان اقتدار فرمانده، ارتباط این سه نفر با یکدیگر و با فرمانده مشخص گردیده است.

تیم‌های آتش در جوخه‌ها متشکل می‌شوند. روابط بین تیم‌ها و حقوق و وظایف فرمانده جوخه نیز مشخص گردیده است. جوخه‌ها دسته‌ها، دسته‌ها گردان‌ها، گردان‌ها هنگ‌ها، هنگ‌ها لشکرها و لشکرها نیروی دریایی را می‌سازند.

“نظام اجتماعی” مفهوم دیگری است که با نظم ارتباط دارد. نظام اجتماعی یک ساختار اجتماعی پویاست. اگر ساختار اجتماعی را به خودرویی تشبیه کنیم که در یک جا پارک شده، نظام اجتماعی همان خودرو است که روشن شده و در حرکت است.

منظور از پویا بودن نظام اجتماعی این است که بخش‌های مختلف آن بر یکدیگر اثر می‌گذارند و از یکدیگر اثر می‌پذیرند. نظام اجتماعی هم می‌تواند در خود تغییراتی به وجود آورد، و هم می‌تواند در محیط خود تغییراتی ایجاد کند. برداشت روزافزون از منابع تجدیدناپذیر، از جمله تغییراتی است که یک نظام اجتماعی در محیط ایجاد می‌کند. رشد جمعیت نیز از جمله تغییراتی است که یک نظام در خود ایجاد می‌کند. نظام اجتماعی همانند یک موجود زنده تلاش می‌کند با تغییر در خود و محیط، نیازهای خود را تأمین کند و خود را در بلند مدت حفظ نماید.

آیا می‌دانید یک نظام اجتماعی برای تداوم خود چه نیازهایی را باید تأمین کند و برای تأمین این نیازها باید چه سازوکارهایی را فراهم آورد؟



امروزه اکثر جوامع

صنعتی به “خاکستری شدن جمعیت” دچارند. جمعیت بالای ۶۵



در طول

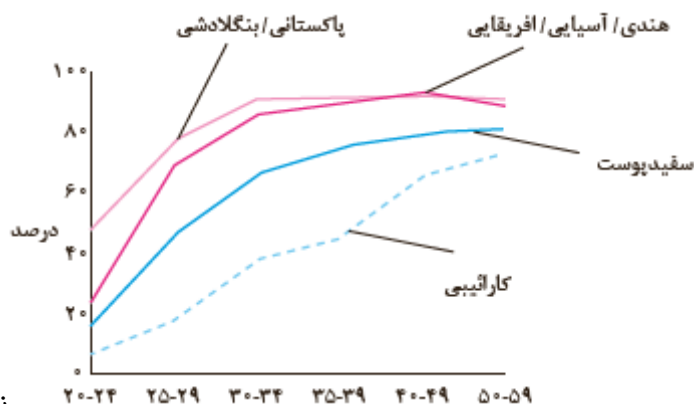
قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، وجود خانواده‌های

بزرگ قاعده‌ای کلی بود. در میانهٔ قرن ۱۹ م هر یک از زوج‌های انگلیسی به‌طور متوسط شش فرزند داشتند. سال روبه افزایش است و این، کشورها را با چالش‌هایی روبه‌رو خواهد ساخت.

گفت‌وگو کنید (صفحه ۲۵ کتاب درسی)

گاهی تغییر در یک پدیدهٔ اجتماعی با تغییر در پدیدهٔ دیگر همراه است. این دو پدیده را "هم‌تغییر" می‌گویند. یعنی می‌توان تغییرات یکی از آنها را به کمک تغییرات دیگری توضیح داد. برخی از این هم‌تغییری‌ها قابل مشاهده‌اند و می‌توان آنها را با روش کمی و آماری مطالعه کرد.

به‌نظر شما آیا میان بیکاری در کشور و عواملی مانند میزان دانش و مهارت دانش‌آموختگان مدارس و دانشگاه‌ها، رکود اقتصادی، ناتوانی اقتصاد در ایجاد شغل و واردات بی‌رویه رابطه‌ای وجود دارد؟ آیا این روابط را می‌توان مشاهده و با روش‌های کمی مطالعه کرد؟



نسبت همهٔ افراد

بالغ ازدواج کرده به تفکیک سن و گروه‌های قومی در بریتانیا



پرسشنامه

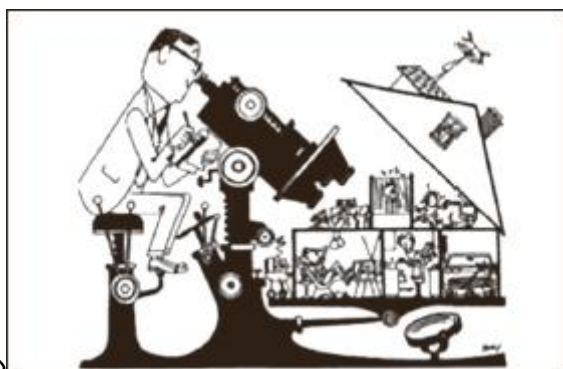
با پاسخ‌های چند گزینه‌ای، از ابزارهای گردآوری اطلاعات در روش‌های کمی است.

جامعه‌شناسی تبیینی

تبیین تجربی

منظور از تبیین، بیان چرایی یک پدیده یا نشان دادن علت ایجاد یا زوال آن است. در تبیین، پدیده‌هایی که قبلاً مستقل از هم به‌نظر می‌رسیدند در ارتباط با یکدیگر قرار می‌گیرند و میان پدیده‌هایی که پیش‌تر در ارتباط با هم دیده می‌شده‌اند، روابط جدیدی طرح می‌شود. مثلاً حرارت باعث انبساط فلزات می‌شود و رکود اقتصادی باعث می‌شود بیکاری در جامعه افزایش یابد، یا هرچه همبستگی اجتماعی میان افراد یک گروه بیشتر باشد انحرافات

اجتماعی در آن گروه کاهش می‌یابد. در اوایل قرن نوزدهم میلادی، با محدود دانستن دانش علمی به دانش تجربی صرفاً تبیین‌های تجربی به رسمیت شناخته می‌شد؛ یعنی تنها بیان آن دسته از روابط علت و معلولی میان پدیده‌ها، دانش علمی و معتبر محسوب می‌شد که با حس و تجربه مشاهده‌پذیر باشد، زیرا چنین می‌پنداشتند که دانش علمی تنها از راه حس به دست می‌آید.



در جامعه‌شناسی

تبیینی، روش مطالعه طبیعت و جامعه یکسان دانسته می‌شود.



تندیس اگوست کنت (۱۸۵۷ - ۱۷۹۸ م) در

فرانسه

از این رو جامعه‌شناسی در آغاز شکل‌گیری خود سعی کرد به علوم طبیعی به‌ویژه علم فیزیک نزدیک شود. به همین دلیل، اگوست کنت، بنیان‌گذار جامعه‌شناسی، ابتدا نام "فیزیک اجتماعی" را برای این رشته برگزید. این رویکرد که جامعه‌شناسی را در زمره دانش‌های تجربی و ابزاری قرار می‌دهد با نام "جامعه‌شناسی تبیینی" شناخته می‌شود.

علوم طبیعی و علوم اجتماعی

در رویکرد تبیینی، پدیده‌های اجتماعی مانند پدیده‌های طبیعی و جامعه همانند طبیعت در نظر گرفته می‌شود. بنابراین روش مطالعه آنها نیز یکسان انگاشته می‌شود. روش مطالعه جامعه، همان روشی است که در مطالعه طبیعت به کار گرفته می‌شود. همان‌طور که علوم طبیعی با شناخت نظم موجود در طبیعت، امکان پیش‌بینی، پیشگیری و کنترل طبیعت را برای انسان‌ها فراهم می‌کند، جامعه‌شناسی نیز با شناخت نظم اجتماعی، به انسان‌ها قدرت پیش‌بینی، پیشگیری و کنترل جامعه را می‌دهد، لذا در این رویکرد هدف جامعه‌شناسی نیز همانند هدف علوم طبیعی است.

برای تشریح بیشتر این مطلب مثالی می‌آوریم. همه ما از خودرو استفاده کرده‌ایم. آیا تا به حال فکر کرده‌اید که چه اتفاقی می‌افتد که چند تکه فلز با مقداری سوخت به حرکت درمی‌آیند؟ براساس قوانین مکانیک، اگر مقداری سوخت را در یک محفظه فلزی به‌طور متراکم پخش کنیم و با جریان الکتریسیته، جرقه‌ای در آن ایجاد نماییم، سوخت منفجر می‌شود، نیرو تولید می‌کند و با انتقال این نیرو از طریق اهرم‌های فلزی به چرخ‌ها، خودرو حرکت می‌کند؛ یعنی خودرو زمانی حرکت می‌کند که اجزای مختلف آن با نظم خاصی در کنار هم قرار گرفته باشند.



و برای ماه منزل‌ها



نظم

معین کردیم. (یس: ۳۹)

اجتماعی در یکی از مدارس چین

ما از خودرو استفاده می‌کنیم اما از چگونگی عملکرد اجزای آن و نظم میان آنها اطلاع دقیقی نداریم درحالی که دانشمندان با فعالیت‌های علمی، نظم و ترتیب میان این اجزا را شناخته و سپس کنترل کرده‌اند تا بتوانند از آن در ساخت خودرو استفاده نمایند. علاوه بر این، آنها تلاش می‌کنند، با استفاده از فرمول‌های ریاضی و آزمایش‌های تجربی، اجزای خودرو را به شکل بهتری کنار هم قرار دهند و نظم کامل‌تری را میان آنها برقرار نمایند تا خودروی بهتری بسازند.

دانشمندان در زیست‌شناسی و پزشکی نیز همین‌گونه عمل می‌کنند و با شناخت قواعد حاکم بر بدن، به پیشگیری از بیماری‌ها و درمان آنها می‌پردازند.

همین موفقیت‌های دانشمندان علوم طبیعی، باعث شد جامعه‌شناسان علاقه‌مند شوند تا شباهت‌های جامعه و پدیده‌هایی همچون ماشین و بدن انسان را برجسته کنند و نظم جامعه را همانند نظم میان اعضای بدن یا اجزای ماشین بدانند. از نظر آنان جوامع از انسان‌ها، نهادها، سازمان‌ها، ساختمان‌ها، خیابان‌ها، خودروها و بسیاری از عناصر دیگر تشکیل شده‌اند که با نظم خاصی در کنار هم قرار گرفته‌اند، همان‌طور که بدن و ماشین از اجزایی تشکیل شده‌اند که با نظم خاصی در کنار هم قرار گرفته‌اند.

جامعه‌شناسی تبیینی

هدف	روش	موضوع
پیش‌بینی و کنترل پدیده‌های اجتماعی	حس و تجربه (نگاه از بیرون)	پدیده‌های اجتماعی همانند پدیده‌های طبیعی هستند.

لمبروزو، (۱۹۰۹ - ۱۸۳۶) در تحقیقاتی درباره رفتار جنایی،



جمجمه‌ها، اسکلت‌ها، مدل‌های مومی و اشیای متعلق به مجرمان را جمع‌آوری کرد. این مجموعه در حال حاضر در موزه انسان‌شناسی جنایی در دانشگاه تورینوی ایتالیا قرار دارد.

او با روش تبیینی می‌خواست مجرم بودن یا نبودن را با مشاهده ویژگی‌های جسمانی و ظاهری تشخیص دهد و بدین منظور ابزارهایی مانند نبض نگار آبی، جمجمه‌نگار، آوانگاشت و ... را به کار گرفت.

بخوانیم و بدانیم